

فرآیند همترازخوانی و چالش‌های اخلاقی آن: آیا می‌توان به داوری اخلاقی امیدوار بود؟

۱. دکتر رضا رجبعلی بگلو^{۱*}، دکتر علیرضا ثقه‌الاسلامی^۲، زهرا رجبعلی بگلو^۱، نادیا حاجی عزیزی^۳
گروه علم سنجی و تحلیل اطلاعات، پژوهشکده علوم اطلاعات، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرنداک)،
تهران، ایران.

۲. گروه اخلاق و حقوق اطلاعات، پژوهشکده جامعه و اطلاعات، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرنداک)،
تهران، ایران.

۳. مدیریت ارزیابی و تحول اداری، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرنداک)، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۲۵، تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۲۶)

چکیده

زمینه: نقش داوری و همترازخوانی در اخلاق پژوهش و نشر بسیار ممتاز و حیاتی بوده و دگرگونی‌هایی در طی سالیان دراز بر این بخش مهم از ارتباط علمی رخ داده است. با وجود گوناگونی در داوری‌های علمی و انتقادات و چالش‌هایی که به شیوه اجرا و ماهیت آن وارد شده، اما همچنان به عنوان یک هنجار اجتماعی در جامعه علمی پذیرفته شده است. پژوهش حاضر مروری است بر انتقادات و چالش‌هایی که توسط پژوهشگران به این رویکرد علمی مطرح شده است.

نتیجه‌گیری: این انتقادات از نقص در کارکرد و روند اجرا گرفته تا جنبه‌هایی همچون شخصی‌پنداری همترازخوانی، تأثیر منفی آشکار یا پنهان بودن هویت، امکان سوءاستفاده، نبود داور مناسب و آموزش دیده، وجود انواع سوگیری و برخورد منافع در داوری را دربر می‌گیرد که اخلاقی بودن داوری را با پرسش‌هایی جدی روبرو کرده است. مروری کلی بر این انتقادات در کنار آشنایی با مؤلفه‌های مهم داوری اخلاقی می‌تواند به بهبود این فرآیند علمی یاری رساند.

کلیدواژه‌گان: همترازخوانی، فرآیند داوری، اخلاق همترازخوانی، انتقادات و چالش‌ها، کمیته اخلاق نشر (کوپ).

سر آغاز

درباره همترازخوانی و داوری علمی و جایگاه آن در ارتباط علمی، پیشرفت علم و اخلاق نشر دیدگاه‌های گوناگونی مطرح و پژوهش‌های پرشماری انجام شده است. بسیاری از داوران، همترازخوانی را به‌عنوان بخشی یکپارچه از وظیفه جامعه علمی می‌دانند و همترازخوانی یک اثر را به‌عنوان پذیرفتن تخصص موضوعی داور قلمداد می‌کنند. درباره داوری اخلاقی نیز تلاش‌های زیادی انجام شده که می‌توان آن را در چارچوب کمیته اخلاق نشر «کوپ»^۱ و رهنمودهای اخلاق داوری و همترازخوانی علمی دنبال کرد. آنچه روشن است این است که رعایت هنجارهای علمی در محافل علمی با دشواری‌ها و چالش‌های اخلاقی روبرو بوده است (۱، ۲، ۳) و داوری و همترازخوانی نیز با رعایت این هنجارهای علمی ارتباطی ویژه دارد. باید اشاره کرد که به کارکردها و شیوه انجام داوری نیز انتقادات زیادی مطرح شده است.

برای نمونه، برخی بر این باورند که برخلاف اهمیت، پذیرش گسترده و اجرای طولانی مدت داوری علمی، به نظر می‌رسد جامعه علمی در مورد کارکرد همترازخوانی و تأثیر آن در پژوهش مدرن اجماع مشخص یا یگانه و جامعی ندارد. به باور اوانتقاداتی مطرح شده به همترازخوانی بر پایه این اصل استوار شده است که شواهد ناچیزی درباره پیش‌تیبانی از همترازخوانی به‌عنوان سازوکاری برای تأمین کیفیت نشر علمی وجود دارد (۴). همچنین، بحث و جدل‌های قابل تأملی درباره کارایی و اجرای همترازخوانی مطرح می‌شود، آن‌چنان که ادعاهایی مبنی بر شکست یا ناکارآمدی آن نیز به‌گوش می‌رسد. در نتیجه، همترازخوانی به هدفی برای انتقادهای گسترده تبدیل و طیف گوناگونی از پژوهش‌ها درباره روایی، اعتبار، و عادلانه بودن نشر علمی و فرآیند همترازخوانی انجام شده است (۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰).

تشخیص اعمال نفوذ^۴ هوشمندانه داده‌ها می‌تواند بسیار دشوار باشد (۱۵).

نوع دیگری از انتقادات که به همترازخوانی وارد شده «نقص در کارکرد» است؛ کارکرد از این نظر که این انتقادات به مسائلی اشاره می‌کنند که کارکردهای متصور شده برای داوری را نشانه گرفته است. برای نمونه، به نظر می‌رسد یکی از دلایل مهم برای برپایی همترازخوانی این است که بتواند در تشخیص بدرفتاری‌های علمی سودمند و یاری‌گر باشد؛ در حالی که از دیدگاه برخی این‌گونه نیست (۴، ۵، ۱۵ و ۱۱). همچنین در بسیاری از موارد دیده شده که در داوری‌ها پیوستگی و عینیت وجود ندارد (۱۶، ۱۷، ۴ و ۶) و داوری‌ها گاه متناقض و ناهماهنگ هستند. به بیان دیگر، در بسیاری از وقت‌ها میان دیدگاه داوران همگرایی و پیوستگی وجود ندارد و بسیاری از نکته‌های مطرح شده با ذهنیت داوران پیوند خورده و یا گرفتار این ذهنیت‌ها شده است. از این رو یکی از دلایل ناهماهنگی گزارش‌های همترازخوانی ویژگی ذهنی ارزیابی آثار مطرح شده است زیرا داوران سطوح گوناگونی از تجربه، مفروض‌های نظری و روش‌شناختی دارند و از آنجاکه ارزیابی ذهنی مقاله‌ها بخش مهمی از روند همترازخوانی است، ممکن است کاهش ناهماهنگی دشوار باشد (۱۵). در حالی که یکی از رهنمودهای اخلاقی داوری که توسط «کوپ» (۱۸) مطرح شده این است که داور باید در داوری خود عینی، بی‌طرف و سازنده باشد و بازخوردی به پدیدآوران ارائه کند که به بهبود اثر آنان کمک نماید. برای نمونه «کوپ» پیشنهاد می‌کند در داوری خود واضح عمل کنند و شواهد پشتیبان همراه با ارجاع‌های مقتضی برای اثبات بیابیه‌های کلی خود ارائه کنند تا به سردبیران در ارزیابی اثر یاری برسانند.

انتقادات به داوری به ماهیت و کارکرد آن محدود نیست و به «نقص در روند اجرا»ی آن نیز انتقادهایی وارد شده است. برای نمونه برخی بر این باورند که همترازخوانی «گران و هزینه‌بر» است (۱۶، ۴، ۱۷ و ۱۱). این هزینه می‌تواند دربرگیرنده زمان نسبتاً طولانی باشد که داور برای همترازخوانی یک اثر صرف می‌کند و یا هزینه‌ای باشد که برای نمونه از دیرکرد در انتشار یک اثر در حوزه پزشکی به افراد درگیر در یک بیماری وارد می‌شود. به بیان دیگر، هرچقدر یک اثر دیرتر به دست استفاده‌کننده و بهره‌بردار آن برسد، سودمندی آن کاهش پیدا می‌کند و از این نظر می‌تواند با دوگانگی هزینه در برابر فرصت^۵ روبرو شود. این دوگانگی دست آخر باید به‌گونه‌ای تعدیل و جهت‌گیری شود که به فرصت انتشار یک اثر و تأثیری که به جامعه علمی و غیرعلمی می‌رساند، بیانجامد و البته همیشه چنین نمی‌شود. از دیدگاه برخی این دیرکرد، اثر بدی در حوزه‌های حساسی همچون پزشکی دارد و گاه حتی این دیرکردهای بوجود آمده در این روند آگاهانه و قصدمند است که جنبه غیر اخلاقی نیز پیدا می‌کند (۶)؛ به بیان دیگر، این دیرکرد در تعارض با برخی گزاره‌ها و رهنمودهای اخلاقی مطرح شده «کوپ» درباره داوری به‌موقع و در چارچوب زمانی تعیین شده برای همترازخوانی است (۱۸). همچنین به باور برخی، همترازخوانی به روی «امکان سوءاستفاده» گشاده است و گاه باعث جلوگیری از پیشرفت رقیب می‌شود و گاهی با

نکته مهم و شایان توجهی که در این میان می‌توان مطرح کرد این است که همچون بسیاری از برساخته‌های اجتماعی، نبود جایگزین مشخص و احتمالی به‌جای آن در فرآیند نشر علمی نیز دست‌کم به ادامه این رویکرد علمی منجر شده است. البته برخی بر این باورند که بدون همترازخوانی، تحقق فرآیند داوری دشوار به نظر می‌رسد؛ از سوی دیگر، برخی بر این باورند که برخلاف انتقادهایی که در مورد اجرای همترازخوانی وجود دارد، روشن است که آرمان‌های این رویکرد علمی هنوز هم نقشی اساسی در ارتباط علمی دارد و احترام بالایی میان جامعه پژوهش در پی دارد و به عنوان یک هنجار اجتماعی در جامعه علمی پذیرفته شده است (۱۱). این برداشت، همراه با غفلت عمومی^۲ از سیر دگرگونی تاریخی همترازخوانی و نبود پژوهش‌های فراوان و متعدد درباره نقص‌های احتمالی باعث شده کاربست همه جانبه و پایدار آن در حوزه علمی ادامه یابد. این را هم باید افزود که این تصور شایع وجود دارد که همترازخوانی فرآیندی ایستا دارد؛ در حالی که شواهد گوناگونی وجود دارد که مسئله ایستایی همترازخوانی را منتفی می‌داند. نمونه آن را می‌توان در پیشرفت‌هایی دانست که در پلتفرم‌های داوری علمی همچون پابونز به‌وجود آمده و در به‌رسیمت شناختن تلاش‌های داوران مهم و قابل توجه بوده است (۱۲، ۱۳ و ۱۴). اما نکته مهم و اساسی این است که چه انتقادهایی به داوری و همترازخوانی وارد شده و پرسش اساسی‌تر این که آیا می‌توان به داوری اخلاقی امیدوار بود؟

انتقادات به داوری اخلاقی و چالش‌های آن

هنگامی که درباره کارایی داوری تردید وجود دارد، شاید پرداختن به جنبه اخلاقی آن کمتر اهمیت داشته باشد (۶)؛ بنابراین، نخست لازم است به انتقادهایی که به همترازخوانی وارد می‌شود و چالش‌هایی که در این میان وجود دارد بپردازیم. یکی از این انتقادات به «نقص ذاتی» همترازخوانی وارد شده است. برای نمونه، برخی بر این باورند همترازخوانی برای تشخیص مقاله‌های مهم، نوآورانه و خلاقانه با تأکید بر پژوهش‌های میان‌رشته‌ای ماهیتی محافظه‌کارانه دارد (۴، ۱۱ و ۱۵). به بیان دیگر، چالش مهمی که برای همترازخوانی وجود دارد این است که در شناسایی، بهبود و انتشار آثار نوآورانه و خلاقانه تأثیرگذار نبوده و یا به‌درستی عمل نمی‌کند. حتی گاه به سرکوب دیدگاه‌های افراطی، ابتکاری یا خلاف دیدگاه‌های نظری یا تأیید شده داوران می‌پردازد (۱۵، ۶ و ۱۶). همچنین برخی معتقدند در همترازخوانی خطاهای ساده ذهنی دروازه‌بانی علمی^۳ رخ می‌دهد (۱۱) و از این رو در تأمین کیفیت پژوهش ناتوان است (۶). برخی از پژوهشگران بر این باورند که با وجود این که یکی از وظایف داوران، تشخیص بدرفتاری‌های علمی در آثار است، اما داوران به ندرت می‌توانند داده‌سازی، تحریف یا انواع دیگر از بدرفتاری را تشخیص بدهند. با این حال، برخی بر این باورند که منصفانه نیست داوران را به ناتوانی در شناسایی بدرفتاری متهم کنیم زیرا معمولاً به منابعی همچون داده‌های اولیه پژوهش برای تشخیص داده‌سازی یا جعل نیاز دارند که به‌طور معمول و به آنها دسترسی ندارند؛ همچنین،

دکتر رضا رجبعلی بگلو و همکاران: فرآیند همترازخوانی و چالش‌های اخلاقی آن: آیا می‌توان به داوری اخلاقی امیدوار بود؟

نسبت به اثر یا پدیدآور آن با چالش روبروست و این چالش تا چه اندازه می‌تواند باعث شود داوری یک اثر با خطا همراه شود.

یکی دیگر از انتقادات «شخصی‌پنداری» امر داوری از سوی برخی داوران است که می‌تواند چالش‌هایی را بوجود بیاورد. به بیان دیگر، داور ممکن است امر داوری را به جای امر علمی، حرفه‌ای و دانشمندانه، امری شخصی بیندازد و با یک اثر این‌گونه رفتار نماید. برخی بر این باورند که داور ممکن است خصومت شخصی با نویسنده داشته باشد و در این زمینه به تلافی گذشته، داوری مغرضانه‌ای داشته باشد. همچنین ممکن است باعث جلوگیری از پیشرفت رقیب بشود که جنبه شخصی نیز پیدا می‌کند (۶). حتی ممکن است داور وسوسه شود خطا در آثار پدیدآوران رقیب پیدا کند (۲۱) و همچنین با بیان غیراحترام‌آمیز، خصومت‌آمیز یا زننده باعث التهاب در امر داوری شود. از این‌رو، رهنمودهای «کوپ» (۱۸) بر حرفه‌ای بودن داور و خودداری از بیان داوری خصومت‌آمیز یا التهاب‌افزا، یادداشت‌ها و اظهارنظرهای شخصی مخرب و منحرف و یا بیان اتهامات بی‌اساس تأکید دارد. «کوپ» همچنین، داوران را ملزم می‌داند که به حساسیت‌های زبانی آگاه باشند و بر بیان محترمانه در جمله‌های بازخورد، بیان نکردن دیدگاه‌های منفی نامصنّفانه^۹ یا انتقادهای ناموجه^{۱۰} درباره آثار فرستاده شده اشاره دارد.

یکی از چالش‌ها و انتقادهایی که به همترازخوانی می‌شود «تأثیر منفی هویت» بر امر داوری است. به بیان دیگر، افشا شدن هویت کنشگران اصلی داوری آثار علمی، به‌ویژه داور و پدیدآور، می‌تواند تأثیر نامناسبی بر کارکرد داوری بگذارد که این تأثیر در انواع گوناگون داوری نیز همچنان پابرجاست. بنابراین، یکی از مهم‌ترین این مسائل، گمنامی یا ناشناس بودن پدیدآوران و داوران به‌ویژه در نوع پرکاربرد همترازخوانی دوسوناسانس^{۱۱} است. برای نمونه، برخی بر این باورند که حتی همترازخوانی پنهان و از نوع یک‌سوناسانس^{۱۲}، دست‌کم هویت داور برای پدیدآور آشکار نیست، مانع از سوگیری ناخودآگاه داور نمی‌شود (۲۲). برخی معتقدند این نوع داوری به داوران این امکان را می‌دهد آثار مشابه با آثار خودشان را رد کنند (۶)؛ حتی در نوع آشکار^{۱۳} داوری نیز این چالش‌ها همچنان باقی می‌ماند، زیرا آشکار بودن هویت باعث می‌شود داوران تمایلی در نقد آثار همکاران نداشته باشند یا از ترس تلافی پدیدآوران، محافظه‌کارانه داوری کنند؛ به باور برخی، اگر داوران به دلیل ترس از تلافی، نقد آثار را محافظه‌کارانه انجام دهند علم با خطر نابودی مواجه می‌شود (۲۳). در همترازخوانی آشکار نیز که انواع گوناگونی دارد، تأکید بر شفافیت است و این شفافیت می‌تواند در هویت داور و نویسنده و انتشار گزارش داور باشد. برخی پژوهش‌ها نیز نشان دادند در نوع داوری دوسو ناشناس، برخی داوران می‌توانند پدیدآوران و وابستگی آن‌ها را شناسایی کنند (۲۴)؛ از این‌رو برخی بر این باورند که تأثیر گمنام بودن بر کیفیت همترازخوانی ناچیز است و در صورتی که همترازخوانی آشکارا انجام شود، احتمال پذیرش همترازخوانی از سوی داوران کاهش می‌یابد (۱۰).

یکی دیگر از انتقادهایی که به داوری می‌شود به مسئله «داور نامناسب یا آموزش ندیده» باز می‌گردد. برخی از داوران یا وقت و یا دانش

سرقت ایده‌ها و نتایج روبروست (۱۶، ۷، ۴، ۱۷ و ۶). برای نمونه، یافته‌های پژوهشی نشان داد که در آن حلقه‌ای از افراد برای همدیگر همترازخوانی کرده، به یکدیگر استناد داده بودند؛ این کار باعث شد تعداد زیادی مقاله به دلیل همترازخوانی‌های جعلی^۶ بازپس داده و از مجله حذف شوند (۸). همترازخوانی افزون بر سوءاستفاده می‌تواند با چالش دیگری همچون «امکان برخورد منافع» نیز روبرو شود. این برخورد منافع^۷ می‌تواند مبتنی بر منفعت شخصی، تجاری، سیاسی، علمی، مالی، رشته، موقعیت جغرافیایی پژوهشگران و جنسیتی باشد (۱۵) و به سوگیری هم ارتباط پیدا نماید. «کوپ» پیشنهاد می‌کند که افراد باید همترازخوانی اثری که به اثر در دست تهیه خود مشابهت دارد رد کنند. در حالی که جلوگیری از همترازخوانی همه کسانی که در یک حوزه خاص کار می‌کنند باعث دور شدن از تخصص‌گرایی می‌شود (۹) با آشکارسازی برخورد منافع توسط داوران ادامه این روند، اخلاقی به‌نظر می‌رسد. نقص مهمی که برخورد منافع در همترازخوانی ایجاد می‌کند این است که می‌تواند قضاوت‌های داوران را به نفع یا علیه یکی را تغییر داده و اعتماد پدیدآوران را به روند همترازخوانی را تضعیف کند (۱۵) و حتی یافتن داوران بدون برخورد منافع در برخی از رشته‌ها ممکن است بسیار دشوار باشد (۱۹).

بنابراین، «امکان سوگیری»^۸ نیز جزو یکی از چالش‌های عمده‌ای است که همترازخوانی با آن روبرو بوده است. سوگیری به‌واقع نوعی بی‌انصافی در ارزیابی آثار و به عنوان نقض بی‌طرفی در ارزیابی یک اثر و تعصبی نظام‌مند تعریف می‌شود که از تفسیر دقیق و عینی آثار علمی جلوگیری می‌کند. از آن‌جا که همترازخوانی توسط انسان انجام می‌شود هیچ همترازخوانی‌ای نمی‌تواند از سوگیری‌های نظری و روش‌شناختی کاملاً آزاد و رها باشد (۲۰) با این حال، انواع خاصی از سوگیری می‌تواند کیفیت، عادلانه بودن و اخلاق همترازخوانی را تحت تأثیر قرار دهد. باید اشاره کرد که سوگیری انواع گوناگونی دارد و پژوهش‌های مختلفی درباره تأثیر داوری در انواع سوگیری‌ها انجام شده است. برای نمونه، برخی به انواع سوگیری‌های نظری و روش‌شناختی، اولویت برای یافته‌های مثبت یا منفی، جنسیت پدیدآور، جنسیت و وابستگی سازمانی داور، ملیت پدیدآور، پژوهش بحث برانگیز یا نوآورانه، داوران پیشنهادی پدیدآوران اشاره می‌کنند (۱۵).

البته اشاره به این نکته ضروری است گاهی این سوگیری‌ها آگاهانه و گاه غیرآگاهانه است (۶). به‌نظر می‌رسد هر کدام از این سوگیری‌های آگاهانه و غیرآگاهانه یک نوع چالش را برای داوری بوجود می‌آورند. برای نمونه، سوگیری‌های آگاهانه به‌طور کلی نظام داوری را با پرسش جدی مواجه می‌کنند و هر دو سوگیری آگاهانه و غیرآگاهانه با آموزش داور می‌تواند تا اندازه‌ای برطرف گردد. از این‌رو، «کوپ» افزون بر آموزش داوران بر این امر تأکید می‌کند که داوران باید هر گونه برخورد منافی که می‌تواند نظر آنها را درباره یک اثر تحت تأثیر سوگیری قرار دهد، افشا کنند و باید از همترازخوانی آثار ویژه‌ای که بالقوه سوگیری بر روی آنها وجود دارد، اجتناب کنند (۱۸). بنابراین می‌توان به‌خوبی مشاهده کرد که همترازخوانی تا چه اندازه در مواجهه با سوگیری داور

نام و همترازخوانی آنها در دید عموم تقریباً نشدنی است و احتمالاً داوران تلاش می‌کنند دقت بیشتری را صرف همترازخوانی خود کنند زیرا کیفیت قضاوت آنها در محبوبیت آنها تأثیر خواهد گذاشت؛ بنابراین تلاش می‌کنند که منصفانه عمل کنند. اما از دیدگاه آنها، این نوع همترازخوانی مطلوب نیست چرا که ممکن است سوگیری‌های آگاهانه یا ناآگاهانه‌ای به دلیل شناختن پدیدآوران از سوی داوران صورت گیرد و بر همترازخوانی آنها اثر بگذارد. همچنین برخی از داوران به نگاشتن نقد بر آثار همکاران خود تمایلی ندارند. مزیت رویکرد داوری آشکار این است که داور در منصفانه بودن خود می‌کوشد چون هویتش برای پدیدآور مشخص است و هم اینکه نام و همترازخوانی وی منتشر خواهد شد. از نظر او این نوع همترازخوانی بی‌نقص‌تر است.

نتیجه‌گیری

به طور کلی می‌توان گفت برخی از پژوهشگران دیدگاه مثبتی درباره‌ی کل فرایند همترازخوانی ندارند و آن را بیشتر مشکل‌زا می‌دانند. اما به نظر می‌رسد بسیاری از پژوهشگران موافق باشند که به جای حذف همترازخوانی باید به بهبود آن از طریق استانداردهای رویه‌ها، باز بودن فرایندها، تدوین پروتکل‌های همترازخوانی، آموزش داوران، دقت بیشتر در انتخاب و حذف داوران، استفاده از همترازخوانی الکترونیکی، پاداش دادن داوران شایسته و به رسمیت شناختن آنها، ارائه‌ی بازخورد دقیق به داوران، و ایجاد موسسه‌های حرفه‌ای همترازخوانی اندیشید (۷). حتی شاید بهترین پاسخ برای کاربست داوری، شکلی راحت و سریع از آن و سپس امکان دریافت دیدگاه از دنیایی وسیع‌تر است. کاری که به نظر می‌رسد در چارچوب تفکر پلتفرمی می‌توان به آن امیدوار بود به‌گونه‌ای که همه‌ی ذی‌نفعان درگیر در زیست‌بوم داوری نسبت به مسئولیت و وظیفه خود آگاه بوده و در خلق ارزش برای این زیست‌بوم تلاش کنند. بنابراین، با وجود مزیت‌ها و ضرورت‌هایی که همترازخوانی دارد، همچنین با در نظر گرفتن این نکته که هنوز جایگزین مناسب و مشخصی برای همه انواع روابط علمی و نشر علمی مطرح نشده، به مزیت‌ها و اهمیت و ضرورت آن امیدوار بود. همچنین، با در نظر گرفتن انواع همترازخوانی‌ها در نظام علمی، دست‌کم با برخی از نقص‌ها و چالش‌های آن آشنا شد و بر مزیت‌های هر یک از آنها تکیه کرد. این کار مستلزم این است که با این مزیت‌ها و عیب‌ها برای همه انواع همترازخوانی آشنا شده و نگاهی واقع‌گرایانه به آن‌ها داشته باشیم.

در واقع، همترازخوانی با طیف گوناگونی از جمله پنهان یا آشکار بودن هویت، تنوع در نشر گزارش‌های داوری و اجرای مشارکتی یا برون‌سپاری آن‌ها روبروست و نمی‌توان آن‌را در جوامع علمی به مثابه امری یگانه و یکسان در نظر گرفت. این دگرگونی‌ها حتی در طول زمان نیز ادامه پیدا کرده و همچنان سرنوشتی در حال تغییر دارد. این تغییرها باعث شده نتوان درباره سرشت و سرنوشت آن قضاوتی واحد داشت. افزون بر این، عواملی در آن تأثیرگذار است که می‌تواند در ادامه روند آن بسیار تأثیرگذار باشد. برای نمونه، آگاهی داوران نسبت به مؤلفه‌های اخلاق داوری می‌تواند در این میان بسیار سودمند و تأثیرگذار باشد. این

مناسب یا کافی ندارند و یا آموزش مناسب و کافی ندیده‌اند (۲۵). بنابراین، سردبیران باید تلاش کنند که به داوران آموزش دهند و یا منابعی آموزشی برای داورانی که به آموزش نیاز دارند، ارائه کنند (۲۶). «کوپ» به داوران توصیه می‌کند از فرصت‌هایی که برای برنامه‌های راهنمایی یا آموزش برای بهبود مهارت‌های همترازخوانی ایجاد شده استفاده کنند و پیشنهاد می‌کند مشاوران به پژوهشگران تازه‌کار فرایند همترازخوانی را یاد بدهند (۱۸). البته آکادمی پابلونر دارای دوره آموزشی عملی همترازخوانی است که برای پژوهشگران تازه‌کار طراحی شده تا دانشگاهیان و سردبیران خُبره مهارت‌ها و توانمندی‌های اصلی مورد نیاز یک همترازخوانی را آموزش بدهند.

داوری اخلاقی، چگونه؟

آنچه اشاره شد، بیان مختصری از انتقادات و چالش‌هایی بود که در رابطه با داوری وجود دارد؛ این انتقادات به واقع تلاش برای بازتولید چگونگی انجام شایسته همترازخوانی را پررنگ می‌سازد. امروزه بسیاری از منتقدان، همترازخوانی سنتی را برای پژوهش مضر می‌دانند، زیرا باعث دیرکرد در انتشار می‌شود و پیامدهایی زیان‌بار برای اشاعه پژوهش‌های نوظهور به دنبال دارد به طوری که برخی‌ها آن‌را با سانسور مقایسه کرده‌اند (۵) و برخی، خستگی^{۱۴} و افزونگی^{۱۵} داور را به‌عنوان انتقاد جدی به اجرای آن می‌دانند (۱۱). به بیان دیگر، وقتی فرایند همترازخوانی را به‌دقت بررسی می‌کنیم متوجه نشانه‌هایی از نادیده گرفته شدن اصول کلیدی پژوهش می‌شویم (۱۰). از دیدگاه برخی، همترازخوانی فرایندی دشواری‌زا و آکنده از چالش‌های اخلاقی است (۶). او غیراخلاقی بودن همترازخوانی را هم ذاتی و هم ساختاری می‌داند و برای اثبات دیدگاه خود نمونه‌هایی نیز ارائه می‌کند که قابل تأمل هستند. وی ساختار آن‌را از این نظر غیراخلاقی می‌داند که پنهان بودن هویت داور، امکان تصمیم‌گیری علیه رقبای او را می‌دهد، وی را از شناسایی شدن حفظ می‌کند، معافیت از مجازات سرکوب ایده‌ها و دستاوردهای رقبای او را همراه با امکان سرقت ایده‌ها و نتایج در پی دارد، دیدگاه نادرست و مبهمی درباره‌ی اثر بدهد و چندین رفتار غیر اخلاقی دیگر داشته باشد بدون اینکه مجازاتی در انتظار وی باشد. بنابراین از دیدگاه وی، خود همترازخوانی در یک دوراهی اخلاقی قرار می‌گیرد که می‌تواند به فرایندی غیر اخلاقی منجر شود.

از دیدگاه آنها، حذف گمنامی تنها راه مؤثر برای دستیابی به همترازخوانی اخلاقی است و در همترازخوانی یک‌سو پنهان، امکان بروز همه رفتارهای غیراخلاقی ممکن وجود دارد. در فرایند همترازخوانی تاحدودی آشکار که هویت داور پنهان است اما همترازخوانی وی در دید عموم قرار می‌گیرد تنها مزیتی که دارد این است که خوانندگان می‌توانند از دیدگاه‌های داوران آگاه شده و همترازخوانی آن‌ها را همترازخوانی کنند. با این حال در این نوع همترازخوانی، همچنان داور از شناخته شدن و مجازات شدن در صورت بروز رفتارهای غیراخلاقی در امان است. در همترازخوانی آشکار نیز که هویت داور و پدیدآور برای یکدیگر مشخص است بروز بسیاری از رفتارهای غیراخلاقی داوران به دلیل آشکار بودن

- Atrak H. (2017). The Nature of plagiarism in research ethics. *Ethics in Science and Technology*; 12 (3): 9-19. (In Persian).
- Jamili Kohneh Shahri F, Sadidpour S S. (2015). Codes of research ethics in lived experiences of social sciences elites. *Ethics in Science and Technology*; 9 (4). (In Persian).
- Yarigholi B. (2018). Pathology of academic research ethics: a phenomenological study. *Ethics in Science and Technology*; 13 (1):127-134. (In Persian).
- Hames I. (2007). Peer review and management in scientific journals: guidelines for good practice. Malden: Blackwell.
- Souder L. (2011). The ethics of scholarly peer review: a review of the literature. *Learned Publishing*; (24): 55-74.
- Cawley V. (2011). An analysis of the ethics of peer review and other traditional academic publishing practices. *International Journal of Social Science and Humanity*; 1(3): 205-213.
- Smith R. (2006). Peer review: a flawed process at the heart of science and journals. *Journal of the Royal Society of Medicine*; 99(4): 178-182.
- Thomas SP. (2018). Current controversies regarding peer review in scholarly journals. *Issues in Mental Health Nursing*; 39(2): 99-101.
- Wendler D, Miller F. (2014). The ethics of peer review in bioethics. *Journal of Medical Ethics*; 40(10): 697-701.
- Hope AA, Munro CL. (2019). Criticism and judgment: A critical look at scientific peer review. *American Journal of Critical Care*; 28(4): 242-245.
- Tennant JP, Dugan JM, Graziotin D, Jacques DC, Waldner F, Mietchen D. et al. (2019). A multi-disciplinary perspective on emergent and future innovations in peer review. *Research*; 6(1151): 1151.
- Rajpert- D EM, Losito S, Carrell DT. (2016). Rewarding peer-review work: The Publons initiative. *Andrology*; (4): 985.
- Cuellar NG. (2018). Recognition for reviewers: PUBLONS. *Journal of Transcultural Nursing*; 29(3): 221.
- Teixeira da Silva JA, Al-Khatib A. (2019). The Clarivate™ analytics acquisition of Publons – an evolution or commodification of peer review? *Research Ethics*; 15(3,4): 438-444.
- Resnik DB, Elmore SA. (2016). Ensuring the quality, fairness, and integrity of journal peer review a possible role of editors. *Science & Engineering Ethics*; 22(1): 169-188.
- Armstrong JS. (1997). Peer review for journals: evidence on quality control, fairness, and innovation. *Science and Engineering Ethics*; 3(1): 63-84.
- Wagner AK, Boninger ML, Levy C, Chan L, Gater D, Kirby RL. (2003). Peer review: Issues in physical medicine and rehabilitation. *American*

مؤلفه‌ها را می‌توان بر پایه رهنمودهای اخلاقی «کوپ» (۱۸) در چارچوب پایبندی به زمان، توجه به بدرفتاری پژوهش، توجه به برخورد منافع، بیان احترام‌آمیز و منصفانه، ارائه پیشنهادها، عینی و سازنده، رعایت محرمانگی، پرهیز از سوگیری، و مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مطرح کرد. به نظر می‌رسد این مؤلفه‌های اخلاقی با یکدیگر پیوندی درونی دارند در شرایط و بسترهای گوناگون بروز و ظهور متفاوتی پیدا می‌کنند. به نظر می‌رسد، دست‌کم رعایت این مؤلفه‌های اخلاقی توسط داوران و دیگر ذی‌نفعان از جمله سردبیران در فرآیند پژوهش تلاش‌ها برای امیدوار ماندن به داوری اخلاقی را توجیه می‌کند.

سپاسگزاری

از تلاش‌های خانم المیرا کریمی برای بررسی بخشی از متون علمی در حوزه اخلاق داوری سپاسگزاری می‌شود.

ملاحظه‌های اخلاقی

این پژوهش برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی اخلاق داوری در مجله‌های علمی ایران: مطالعه موردی تدوین مرامنامه اخلاق داوری پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات» در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) است.

واژه نامه

- Committee on Publication Ethics (COPE) کمیته اخلاق نشر
- General ignorance غفلت عمومی
- Scientific gatekeeping دروازه بانی علمی
- Manipulation recognition تشخیص اعمال نفوذ
- Dualism of cost vs opportunity دوگانگی هزینه در برابر فرصت
- Rigged peer review همتراز خوانی جعلی
- Conflict of interest برخورد منافع
- Bias سوگیری
- Unfair negative comments دیدگاه‌های نامنصفانه منفی
- Unjustified criticisms انتقادهای ناموجه
- Double blind peer review همتراز خوانی دوسو ناشناس
- Single blind peer review همتراز خوانی یک سو ناشناس
- Open peer review همتراز خوانی آشکار
- Reviewer fatigue خستگی داور
- Reviewer redundancy افزونگی داور

References

- publications: considerations for authors, peer reviewers, and editors. *Croatian Medical Journal*; 54(6): 600-608.
23. D'Angelo J. (2012). *Ethics in science: Ethical misconduct in scientific research*. Boca Raton: Taylor & Francis. P. 48.
 24. Jagsi R, Bennett KE, Griffith AK, Decastro R, Grace C, Holliday E, Zietman LA. (2014). Attitudes towards blinding of peer review and perceptions of efficacy within a small biomedical specialty. *International Journal of Radiation Oncology Biography Physics*; 89(5): 940-946.
 25. Ware M. (2008). *Peer review: benefits, perceptions and alternatives*. London: Publishing Research Consortium. Pp. 4-20.
 26. Callaham ML. (2003). Journal policy on ethics in scientific publication. *Annals of Emergency Medicine*; 41(1): 82-89.
 - Journal of Physical Medicine & Rehabilitation; 82(10): 790-802.
 18. Committee on Publication Ethics (COPE). (2017). *Ethical guidelines for peer reviewers (English)*. Available at: <https://doi.org/10.24318/cope>. Accessed: January 9, 2019.
 19. Resnik DB, Elmore SA. (2018). Conflict of interest in journal peer review. *Toxicologic Pathology*; 46(2): 112-114.
 20. Resnik DB, Elmore SA. (2015). Ensuring the quality, fairness, and integrity of journal peer review: a possible role of editors. *Science and Engineering Ethics*; (22): 169-188.
 21. Israel M, Hay I. (2006). *Research ethics for social scientists: Between ethical conducts and regulatory compliance*. London: Sage Publication.
 22. Gasparyan AY, Ayyvazyan L, Akazhanov N, Kitash GD. (2013). Conflicts of interest in biomedical